

فلسفه دین، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

صفحات ۱۷۴-۱۵۵

الوهیت از دیدگاه آوارها

سمانه تولیتی*^۱، ابوالفضل محمودی^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۰)

چکیده

مفاهیم خدا، روح و ماده از جمله موضوعاتی به‌شمار می‌روند که همواره در طول تاریخ توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده‌اند. آنها پیوسته به دنبال پاسخی در مورد ماهیت این سه و ارتباط آنها با یکدیگر بوده‌اند. آوارها نیز به‌عنوان پیشروان طریقت عشق در هند به‌صورت مبسوطی ذات، صفات و افعال برهمن را بررسی کرده‌اند. آنها در سروده‌های خود از حقیقت واحدی سخن به‌میان می‌آورند که پنهان و متعالی‌تر از تغییرات و دگرگونی‌های دنیاست و از سوی دیگر با روح و ماده رابطه عمیقی دارد. آوارها به تفکر و تأمل در معنا و مفهوم روح و ماده پرداخته‌اند و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند که بر پیروانشان بسیار تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی

آوارها، ایشوره، برهمن، پرکریتی، جیوه، نالاییره دیویه پربندهم.

آلوارها

الف) معناشناسی لغوی آلوار

آلوار از لحاظ لغوی به شخصی اشاره دارد که در حال غرق شدن است. نام مذکور را به این دلیل برای قدیسن ویشنوی جنوب هند به کار می‌برند که در اخلاص و عشق به ویشنو مستغرق شده‌اند. (Spencer, 1963, p.4.; Subrahmaniam, 1999, p.184; Radhakrishnan, 1969, vol.2. p.496; Devasenapathi, 1997, vol.2. p.97.; Veliath, 1986, p.31.; Hudson, 1981, p.24.; Chari, 1997, p.1.; Dehejia, 2002, p.8.; Friedhelm, 1987, vol.1. p.227.

ب) تاریخچه و معرفی آلوارها

آلوارها به عنوان سردمداران جنبش بهکتی در تمیل (جنوب هند) وسیله‌ای برای گسترش ویشنوپرستی بودند (kinsely, 1987, p.38). آنها به طبقات مختلف اجتماعی تعلق داشتند.

آلوارها دوازده نفرند و اسامی آنها چنین است:

۱. پیگایی آلوار (Poygai Āḷvār); ۲. پوتتالوار (Pūtattāḷvār); ۳. پی آلوار (Peyāḷvār); ۴. تیروملیشایی آلوار (Tirumaḷisai Āḷvār); ۵. نمالوار (Nammāḷvār); ۶. مدهوره کوی (Madhurakavi) آلوار؛ ۷. کولشکهرالوار (Kulaśekharāḷvār); ۸. پریالوار (Periyāḷvār); ۹. آندال (Āṇḍāl); ۱۰. تندردیپدی (Toṇḍaradippoddi) آلوار؛ ۱۱. تیروپانالوار (Tirupāṇāḷvār); ۱۲. تیرومنگایی (Tirumaṅgai) آلوار.

از میان این دوازده نفر مدهوره کوی شاگرد نمالوار و آندال دخترخوانده پری آلوار است و سروده‌هایشان بخشی از سروده‌های آلوارها تحت عنوان نالاییره دیویه پربندهم (Nālāyira Divya Prabandham) به حساب می‌آید.

نمالوار در میان آنها مهم‌ترین و مشهورترین آوار شناخته می‌شود. او آثاری برجسته‌ای در فلسفه و کلام ویشنویی دارد و نزد ویشنوپرستان از جایگاه والایی برخوردار است. نمالوار با عنوان کولپتی (Kulapati) یعنی بنیانگذار جامعه ویشنویی شناخته می‌شود. در مورد تاریخ آوارها باید گفت که هیچ اتفاق آراییی در بین دانشمندان در مورد تاریخ آنها وجود ندارد (Eliot, 1954, vol. 2.p.231.; Veliath, 1986, p.30.; Sircar, 1970). سنت، سال‌های بسیار دوری را برای آوارها فرض می‌کند، و آنها را بین سال‌های ۴۲۰۰ تا ۲۷۰۰ ق.م قرار می‌دهد (Govindacharya, pp.10-11; Walker, 1995, p.32., 1929). اما محققان معاصر بر پایه چند سند تاریخی به این نتیجه رسیده‌اند که آنها در دوره‌ای بین سده‌های ۵ تا ۹ میلادی می‌زیسته‌اند. (Aiyangar, 1920, pp.37-42.; Bhandarkar, 1983, pp.48-50.; Gopinath, 1923, pp.16-29.; Colas, Gerard, 2005, pp.237-238.; Pathak, 1999, p.176.; Carman, 1987, vol.2. p.170.; Dandekar, 1987, vol.15. p.130.).

نالاییره دیویه پرنبندهم (دیوان چهار هزار شعر مقدس) در زبان تمیلی یا پرنبندهمه (Prabandhama) در زبان سنسکریت، مجموعه‌ای از آثار آوارهاست که ناتپه مونی (Nāthamuni) یکی از رهبران ویشنویی، این سروده‌ها را در اوایل سده دهم میلادی جمع‌آوری کرد.

بر اساس آموزه اوتاره (avatāra) ویشنو از سر لطف به منظور حفظ دهرمه (dharma) یعنی پرهیزگاری و از بین بردن بدی‌ها از جایگاه ملکوتی خود در زمان مناسب پایین می‌آید تا نظم و آرامش را در زمین برقرار کند.

سنت، آوارها را اوتاره (تجسد الهی) می‌داند. آنها به ترتیب اوتاره سلاح‌های ویشنو (گرز، صدف حلزونی، شمشیر، دیسک) فرشته الهی، گردنبندی که ویشنو در سینه دارد، پرنده الهی، تاج گل، کمان، خال سینه، ویشنو گنه (Viṣṇugaṇa)، بهودوی (Bhū-devī)،

یکی از همسران ویشنو هستند (Welbon, 1987,) Friedhelm, 1987, pp.227-228.; Hopkins, 1968, pp.4-6.; Hooper, 1929, pp.18-19. (p.174;

ودانته دشیکه (Vedānta Deśika) یکی از رهبران ویشنویی بر این باور است که خداوند قدرت روحانی را به افراد برگزیده می‌دهد و آنها را به صورت فرزندان، قدیسین و مرشدان درمی‌آورد تا معرفت او را تبلیغ کنند. او می‌گوید: "همان‌طور که آب‌های اقیانوس تبخیر می‌شوند، به صورت ابر در می‌آیند و می‌بارند تا برای همه، حیات را به ارمغان آورند، پروردگار در کسوت ۱۲ اوتاره آموزه‌های اساسی وداها را در قالب زبان تمیلی آشکار ساخت تا برای همه مردم قابل فهم باشد" (Ibid).

ج) باورهای آلوارها

۱. برهمن

برهمن یا حقیقت غایی، محور اصلی مکتب ودانته و موضوع مورد توجه آلوارهاست. نمالوار دیدگاه خاصی نسبت به برهمن دارد و نگرش خود را در ده سروده نخست اثر خود، تیرووایملی (Tiruvāymoḷi) بیان می‌کند. او به‌صراحت اظهار کرده است که عقایدش کاملاً بر متون مقدس مبتنی است (Tiruvāymoḷi, I.1.7.).

نمالوار حقیقت غایی را وجود متعال شخصی (Supreme Personal Being) یا ناراینه (Nārāyana) با صفات نیک بی‌پایان می‌داند. به اعتقاد او ناراینه بالاتر از برهما و رودره و بر اساس تثلیث موجود در آیین هندو (برهما، ویشنو و شیوا) دارای جایگاهی همسان با ویشنو (وجود متعال) است.

او همسو با اوپنیشادها، و ودانته سوتره برهمن را سرچشمه و منشأ این جهان می‌داند و بر این باور است که برهمن به‌عنوان علت مادی و فاعلی جهان، برای خلقش به ابزار دیگر نیاز ندارد. نمالوار می‌گوید:

" قبل از خلقت هیچ چیز وجود نداشت، نه موجودات ملکوتی، نه عالم کیهانی، نه موجودات زنده، نه هیچ چیز دیگر، آدیپیران (Ādippirāṇ) - الوهیت اولیه (Primordial Deity) - این جهان را با موجوداتش خلق کرد" (Tiruvāymoḷi, IV.10.1).

آنها برای بیان مفهوم تجلی در کنار تعالی و توصیف صدور وجود متعال از تعبیر ایشوره (Īśvara) (کنترل‌کننده) استفاده می‌کنند. ایشوره منشأ یا حافظ همه چیزهایی است که در جهان وجود دارند و آنها را از درون کنترل می‌کند. رابطه ایشوره با جهان از نوع آدهاره - آدهیه (ādhāra - ādheya) (حمایت‌کننده و حمایت‌شونده) یا نیامکه - نیامیه (niyāmaka - niyāmya) (کنترل‌کننده - کنترل‌شونده) است. برهنم هم در درون و هم در بیرون، هم در موجودات مدرک و هم در موجودات غیرمدرک حضور دارد، اما حضورش درک‌شدنی نیست. او اگرچه در همه امور ساری و جاری است، دستخوش تغییرات اعم از پیری و مرگ نمی‌شود (Ibid, III.4.10).

به باور آوارها ناراینه دارای سه همسر به نام‌های شری (Śrī) یا لکشمی (Lakṣmī)، بهودوی (Behu- devī) و نیلادوی (Nīlā - devī) است.

لکشمی هرگز از ویشنو جدا نمی‌شود و برای همیشه در سینه او جای دارد. او همسان با ویشنو در همه شئون است و با هم یک حقیقت را شکل می‌دهند. لکشمی مکمل حقیقت است و دو ایزدبانوی دیگر در مرتبه پایین‌تری قرار دارند.

ناراینه و لکشمی، اوپایه (Upāya) یا وسیله رسیدن به نجات و اوپیه (Upēya) هدف خدمت الهی هستند. نمالوار در یکی از سروده‌هایش می‌گوید:

" پروردگار متعال همراه با همسر محبوبش تمامی کرمه‌های (نتایج اعمال نیک و بد) گذشته را از بین می‌برد و نجات را ارزانی می‌دارد" (Tiruvāymoḷi, I.6.9.; IV.5.11.).

او از ناراینه و همسرش ملتسمانه می‌خواهد تا لطف خود را به واسطه خدمت الهی نثار او گردانند:

"پروردگارا! باران رحمت و لطف را بر ما بباران که ما نسل اندر نسل به لطف تو و همسرت در معبد خدمت کرده‌ایم" (Ibid, IX.2.1).

نمالوار برای توصیف همسران ویشنو از سه واژه تیرومکل (Tirumakaḷ)، منمکل (Maṅmakaḷ) و آیرمدمکل (Āyarmadamakaḷ) استفاده می‌کند.

تیرومکل به معنای لکشمی همسر اصلی ویشنو است که همان‌طور که گفته شد، در سینه پروردگار جای دارد و لحظه‌ای از او جدا نمی‌شود.

منمکل به بهودوی یا خدای زمین اشاره دارد. او به‌عنوان مظهر بخشش، خداوند را از مجازات گناهکاران باز می‌دارد.

آیرمدمکل بر این امر دلالت دارد که نیلا دختر یک گپه (گاوچران) و مظهر لذت و خوشی است. او پروردگار را چنان شیفته زیبایی خود می‌کند که به گناه گناهکاران توجه نکند (Chari, pp.65-67).

۲. صفات برهمن

آلوارها برهمن را با صفات گوناگونی توصیف می‌کنند و بین سوروپه (svarūpa) (ذات) و دهرمه (dharma) (صفات) تمایز قائل می‌شوند. به اعتقاد آلوارها هر چیزی در جهان، چه مادی، چه غیرمادی دارای دوجنبه است: ۱. دهرمه؛ ۲. دهرمی (dharmi) (وجودی که صفت به آن نسبت داده میشود). صفت ذاتاً وجود ندارد و به دهرمی وابسته است. به‌علاوه هیچ وجودی بدون صفت درک‌پذیر نیست. نمالوار در تیرووایملی ابتدا از صفات و سپس از سوروپه سخن می‌گوید. آنها برای ستودن عظمت خداوند بیشتر از صفاتی مانند اروالین (aruḷāḷan) (رحیم)، الیون (eḷiyavaṇ) (وجودی که به آسانی دسترس‌پذیر است) و ندومال (nedumāl) (خدایی که به‌شدت به رهروانش وابسته است) استفاده می‌کنند. صفات برهمن نامحدود است و خدایانی مانند برهما و رودره نیز نمی‌توانند از عظمت و شکوه پروردگار به‌طور کامل سخن بگویند.

از دیدگاه آنها صفات الهی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. شروشوره (śarveśvara) (صفات تنزیهی).

۲. دیویه - منگله - وگره (divya-maṅgaḷa-vigraha) (صفات تشبیهی):

به اعتقاد آوارها حقیقت غایی دارای یک پیکر است. آنها بر این باورند که خداوند به دور از صورت جسمانی مورد توجه بندگان مشتاق نیست. پیکر الهی متشکل از جوهر الهی، نامتغیر، پاک و ابدی است و همیشه به یک صورت باقی می‌ماند (Viṣṇu Purāṇa, I.2.1.). خداوند این پیکر را به دلیل بندگان مشتاقش می‌پذیرد.

در سروده‌های آوارها توصیف‌های بسیاری از پیکر الهی به چشم می‌خورد. نمالوار پیکر الهی را روحانی، و تابناک مانند پرتوهای درخشان خورشید (Tiruvāymoḷi, III.5.) و سایر آوارها آن را به رنگ طلایی از پا تا به سر می‌دانند.

تیرومنگایی آوار می‌گوید: "پیکرش از طلا است و مانند زمردی می‌درخشد. گردنبندش برق می‌زند و مدام وداها را زیر لب می‌خواند" (Periya Tirumoḷi, IX.2.1.).

اوجولیه (aujvalya) (درخشان)، سوندریه (saundarya) (زیبا)، یونه (yauvana) (جوان) و لاونیه (lāvaṇya) (خوش‌قیافه) از مهم‌ترین صفات پروردگار به‌شمار می‌روند. آنها علاوه بر ارائه تصاویر بصری از خداوند، صفاتی مانند آراوموده (ārāvamuda) (شهد سیری‌ناپذیر)، اموده (amuda) (عصاره)، تن (tēṇ) (عسل)، کنل (kaṇṇal) (آبنبات) را به برهمن نسبت می‌دهند که آراوموده به‌معنای منشأ جاوید شهد و عصاره است، هر قدر از آن بخوری، سیر نخواهی شد.

به اعتقاد آوارها برهمن دارای اسلحه‌هایی نظیر شنککه (śaṅkha) (صدف حلزونی)، چکره (cakra) (دیسک)، گدا (gadā) (گرز)، شارنگه (śāraṅga) (کمان) و کهدگه (Khadga) (شمشیر) است. چکره به‌عنوان یک الوهیت متجسد، نیروهای شر را از بین می‌برد.

او زیورآلات بسیاری نیز با خود دارد که مهم‌ترین آنها تاج، گوشواره‌ها، گردنبند، کمر بند، گل سینه، خلخال و تولسی (tulasī) (برگ نعنا) است. تولسی جایگاه خاصی در دیویه پربندهم به‌عنوان زیور پروردگار دارد و نزد خداوند، مقدس و محبوب است.

۳. صفات متجلی‌شده در طول تجسد (اوتاره)

آلوارها دیدگاه خاصی نسبت به آموزه اوتاره دارند که بعدها بر رهبران ویشنویی تأثیرگذار بوده است. آنها بر اساس متون مقدس، در اشعارشان به انواع اوتاره‌ها اشاره و آنها را به پنج دسته تقسیم می‌کنند: ۱. پره (para)؛ ۲. ویوهه (viyūha)؛ ۳. ویبهوه (vibhava)؛ ۴. ارچه (arca)؛ ۵. انتریامی (antayāmī).

پره: اولین و بالاترین صورت اوتاره، پره است. برهمن در این حالت در ویکونتهه (Vaikuṅṭha) ساکن است و پیکری از ستوه (sattva) خالص دارد. او زیر آلاچیتی از سنگ‌های گرانبها بر روی مار آدیششه (Ādiśeṣa) (مار الهی) نشسته و زیورآلات و اسلحه‌های بسیاری با او همراه است. برهمن با همسرانش و ملازمان و خدمتگزاران بارگاه الهی ارواح را نجات می‌دهد. پره از شش صفت معرفت، نیرو، قدرت، ربوبیت، شور و حرارت و درخشندگی برخوردار است. نمالوار این حالت را پره-روپه (para-rūpa) می‌نامد و خواهان رسیدن به این جایگاه است.

ویوهه‌ها: برهمن در این مرتبه به چهار صورت واسودوه (Vāsūdeva)، سنکرشنه (Sāṅkarṣaṇa)، پردیومنه (Pradyumna) و انیرودهه (Aniruddha) متجلی می‌شود. او به‌دلیل رحمت بی‌پایانش نسبت به مؤمنان، شکل واسودوه را به خود می‌گیرد و دارای شش خصلت است. تجلی خداوند در این صورت‌های چهارگانه به‌منظور خلقت، حفظ و نابودی جهان خواهد بود.

ویبهوه: خداوند از سر لطف در زمان‌های گوناگون به‌صورت موجودات ملکوتی، انسان و سایر مخلوقات متجسد می‌شود تا از مؤمنان حفاظت و حمایت کند و نیروهای شر را از

بین برود. پربندهم از ۳۹ اوتاره سخن به میان می‌آورد که از میان آنها، ده اوتاره به دلیل عملکردشان از دیگران مهم‌تر هستند. از این اوتاره‌ها می‌توان به متسیه (Matsya)، کورمه (Kūrma)، وراهه (Varāha)، نرسیمهه (Narasimha)، وامنه (Vāmana)، پره شورامه (Paraśurāma)، رامه، کریشنه، بلرامه (Balarāma) و کلکی (Kalkī) اشاره کرد.

به اعتقاد آوارها وامنه از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا او به صورت کوتوله‌ای کل جهان را با سه گام اندازه گیری و تصرف کرد.

کریشنه نیز بسیار مورد توجه آوارها بوده است. افعال کریشنه در زمان بچگی، جوانی و میانسالی از موضوعات و مفاهیم عرفانی در دیویه پربندهم به شمار می‌رود. پریالوار خودش را در جایگاه یشدا (Yaśoda)، مادر کریشنه قرار می‌دهد و احساساتش را نثار نوزادش می‌کند. تیرومنگایی آوار نیز در کسوت یک دوشیزه گاوچران از عظمت افعال کریشنه سخن به میان می‌آورد. آندال به عنوان عروس، خواهان پیوند مجدد با کریشنه است. نمالوار ده فصل از تیرووایملی را به افعال کریشنه از تولد تا آخرین روز جدایی از عالم کیهانی اختصاص می‌دهد.

آوارها به ویژه کولشکهرالوار در سروده‌های خویش درباره نرسیمهه، رامه و وارهه بسیار سخن می‌گویند. نرسیمهه و رامه دارای نیرویی برای حفظ پرهیزگاران هستند و وارهه به شکل گراز نری زمین را از دل اقیانوس بیرون می‌آورد و علاقه شدیدی به حفظ جهان و بهودوی یعنی خدای زمین دارد.

آوارها اوتاره ویشنو به شکل نوزاد را بسیار مورد توجه قرار می‌دهند. این نوزاد در زیر برگ‌های درخت بانیان خوابیده، در حالی که توفان سهمگینی در جریان است. در این حالت دو صفت از صفات خداوند، نیرهتوککریپا (nirhetukakṛpā) یا محبت بی‌قید و شرط و رکشکتوه (rakṣakatva)، یعنی برقراری امنیت و آسایش در این جهان به تصویر کشیده می‌شود.

ارچه یا تمثال: ارچه تجلی خداوند به صورت تمثال در معابد است تا به مؤمنان فرصت داده شود که خداوند را عبادت کنند و حاجات آنها را برآورده کند. ارچه اوتاره مورد توجه خاص آوارهاست. بخش عمده پربندهم‌های تمیلی، به ویژه سروده‌های تیرومنگایی آوار، نمالوار و چهار آوار نخست به ستودن عظمت ارچه‌ها اختصاص دارد. خداوند با پذیرفتن پیکری مطابق با ساخت بشر وارد تمثال می‌شود و مانند آب در شیر، از آن تفکیک‌ناپذیر است. برخی از تمثال‌ها شکل یک انسان را دارند، اما صحیح نیست که آنها را انسان‌گونه بپنداریم، زیرا پروردگار خود را به شکل انسان یا هر صورتی در می‌آورد تا آرزوهای مؤمنان را برآورده کند. به اعتقاد پیگئی آوار، خداوند دقیقاً صورتی را مطابق با خواست پیروان به خود می‌گیرد. به‌گودگیتا نیز همین دیدگاه را دارد.

انتریامی: او کنترل‌کننده درونی همه موجودات است، درون جهان و موجودات وارد می‌شود، آنها را به حرکت وامی‌دارد و به آنها حیات می‌بخشد. خداوند در این حالت در قلوب مؤمنان حضور دارد و سبب می‌شود آنها برای انجام دادن فرامین الهی و به‌ویژه مراقبه توانمند شوند (Radhakrishnan, vol.2. pp.689-690) نمالوار در تیرووایملی چندین بار بیان می‌کند که خداوند با اینکه نامشهود است، در هر وجودی حضور می‌یابد و انتراتمای (antarātma) همه موجودات عالم است. او به‌صراحت می‌گوید: "او در درون است، او در بیرون است، او در هر کجاست" (Tiruvāymoḷi, VII.8.8). نمالوار در چندین جا آورده است که خداوند به همان صورتی که در ویکونتهه یا در هر جای دیگر قرار دارد، قلب را به‌عنوان معبد یا جایگاه مورد علاقه خود انتخاب می‌کند (Ibid, VIII.6.5). تیرومنگایی آوار نیز به توصیف سکونت پروردگار در قلب می‌پردازد (Chari, p. 102).

آنچه در مورد اوتاره‌های برهمن باید به آن توجه داشت این است که آوارها بر خلاف بسیاری از متون مقدس هیچ تمایزی بین تجلیات مختلف ویشنو قائل نمی‌شوند. آنها

یکصدا می‌گویند پنج شکل اوتاره تنها وجود متعال را نشان می‌دهند. درست مانند شخصی که در نقش‌های مختلف بر روی صحنه ظاهر می‌شود (Aiyangar, pp.8-9.; Hooper, pp.21-21.; Veliath, p.73).

نمالوار می‌گوید: "پروردگار در قلمروی متعال ساکن است (پره)؛ او در تپه‌های تیروملایی (Tirumalai) سکونت دارد (ارچه)؛ بر روی اقیانوس شیری دراز کشیده است (ویوهه)؛ و در قلوب مؤمنان حاضر است (انتریامی)" (Tiruvāymoḷi, VI.9.5). او در یکی از فصل‌های تیرووایملی، ۱۲ اسم برای ویشنو برمی‌شمارد: کشوه (Keśava)، ناراینه، مادوهه (Mādhava)، گوینده (Govinda)، ویشنو، مدهوسودنه (Madhusūdana)، تیرویوکر مه (Trivikrama)، وامنه، شریدهره (Śrīdhara)، هریشیکشه (Hṛiṣīkeśa)، پدمنابهه (Padmanābha) و دامدره (Dāmodara) (Ibid, II.7). این نام‌ها اگرچه از لحاظ تلفظ متفاوتند، از جنبه‌ی هستی‌شناسی نشان‌دهنده‌ی یک حقیقت هستند.

تیرومنگایی آوار در سروده‌های خود به ستایش ارچه‌های معابد گوناگون از بدری (Badari) در هیمالایا تا تیروکورونگودی (Tirukkuruṅgudi) در جنوبی‌ترین نقطه‌ی هند می‌پردازد. او بر این باور است که این ارچه‌ها چیزی جز تجلی وجود متعال به اشکال مختلف نیستند (Periya Tiumoḷi, I.2., II.4., VIII.8). پوتالوار می‌گوید: "وجود متعال در قلب من حضور دارد. او در اقیانوس تاریک آرمیده و موجودات ملکوتی او را تقدیس می‌کنند" (Iraṇḍām Tiruvandādi, 28).

۳. افعال برهمن

دیویه پربندهم مملو از بیان افعال الهی است تا بهکتی را در میان مردمان عادی افزایش دهد و آنها بتوانند آسان‌تر مراقبه کنند. نمالوار در یکی از بخش‌های تیرووایملی تنها راه درمان

غم فراق را مراقبه بر افعال کریشنه می‌داند (Tiruvāymoḷi, V.10.5). تیرومنگایی آوار، پریالوار، کولشکهرالوار و آندال نیز بر همین عقیده‌اند.

به‌طور کلی می‌توان افعال بیان‌شده در سروده‌های آوارها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. عملکردهای کیهانی: آوارها به عملکردهای کیهانی پروردگار به‌صورت نمادین اشاره کرده‌اند. به اعتقاد آنها خداوند عالم را خلق می‌کند، فرو می‌برد، بیرون می‌افکند، آن را به‌صورت نامحسوسی در معده‌اش نگه می‌دارد و به‌صورت غوطه‌ور در اقیانوس درمی‌آورد. فروبردن و بیرون انداختن جهان به نابودی و خلقت آن اشاره دارد. آنها همسو با پورانها بر این باورند که دیوی جهان را دزدید و در قعر اقیانوس پنهان کرد. ویشنو خود را به‌صورت گرازی درآورد و عالم را به شکل اولیه خود بازگرداند. بازگشت زمین سبب نجات بهودوی (Behu- devī)، الوهیت زمین و یکی از همسران ویشنو شد.

۲. افعالی برای حفظ خدایان ملکوتی: افعالی که برهمن برای خدایان ملکوتی انجام می‌دهد عبارتند از:

۱. برطرف کردن عواقب نفرین برهما بر علیه رودره.
۲. گرفتن وداها از دیو و بازگرداندن آن به برهما.
۳. یاری رساندن به رودره برای شکست دادن دیو نیرومندی به نام تریپوره (Tripura).
۵. کمک به ایندره برای بازپس‌گیری سلطنت از بلی (Bali)، پادشاه دیوها.
۶. کشتن دیو قدرتمندی به نام راونه (Rāvaṇa) برای نجات دادن موجودات ملکوتی و قدیسین.

۳. افعال اوتاره: افعال اوتاره‌ها نیز بسیار در پربندهم به چشم می‌خورد، از جمله: نابودی نیروهای شر توسط کریشنه و کشتن دیوهایی مانند پوتنا (Pūtānā)، شکتاسوره (Śakaṭāsura)، یمولارجونه (Yamuḷārjuna)، بکاسوره (Bakāsura)، کپیتته (Kapittha)،

هفت نره گاو وحشی و فیل قدرتمندی با نام کووله یاپیده (kuvalayāpīda) شیطنتهای کریشنه در دوران جوانی مانند دزدیدن کره، فریب دادن دوشیزگان گاوچران، چرانیدن گاوها، مجذوب کردن دوشیزگان گاوچران با زیبایی مسحورکننده‌اش، انجام دادن راسکریدا (rāsakrīdā) (رقصی فولکلوریک) با گپها (gopī)، بلند کردن تپه گوردهنه (Govardhana) برای نجات دادن گپها (gopas) و گاوها از باران سیل‌آسا و بازگرداندن بچه‌های پرهیزگار از بهشت و اندازه‌گیری جهان با سه گام توسط وامنه.

آوارها با بیان این افعال به شش صفت مهم برهمن اشاره می‌کنند:

۱. آشریته - ویردهه نیرسنه (āśrita - virodha nirasana): از بین بردن موانع موجود در راه سلوک.
۲. آشریته - واتسلیه (āśrita - vātsalya): عشق به بندگان.
۳. آشریته - پکشپاته (āśrita - pakṣapāta): دلبستگی به بندگان.
۴. آشریته - ویامهه (āśrita - vyāmoha): وابستگی خاص به بندگان.
۵. سئوشیلیه (sauśīlya): لطف بی دریغ به بندگان.
۶. سئولبهیه (saulabhya): دسترسی آسان.

۴. ارتباط برهمن با روح

آوارها به وجود روح (جیواتمن) (jivātman) جدا از خداوند برای تجارب روحانی معتقدند و در مورد ماهیت حقیقی روح و رابطه آن با آتمن به تفصیل بحث کرده‌اند. نمالوار در آثار خود یک بار کلمه جیوه را در معنای روح، جدا از بدن به کار می‌برد (Tiruvāymoḷi VII.8.5.) او روح را ارووینن (aruviṇaṇ) یا بدون صورت مادی می‌داند (Ibid, I.1.2.). به اعتقاد او روح متشکل از معرفت و سعادت (آننده) (ānanda) است و ذهن می‌تواند آن را پس از منزّه شدن درک کند (Ibid, I.1.2.). روح موجودی سوچم-

جیوتیس (svajam- jyōtis) یا خودافروز است که پس از رهایی از تمام محدودیت‌ها نجات می‌یابد. (Ibid, I.1.10).

آلوارها از اصطلاح دیگری برای روح با عنوان ان- پروکو (eṅ- perukku) استفاده می‌کنند. واژه مذکور بر این امر دلالت دارد که جیوه‌ها از نظر تعداد نامحدود هستند. آنها در چندین سروده، ارواح را موجوداتی مدرک (یوروم) (yavarum) می‌دانند که از موجودات غیرمدرک (یواییوم) (yavaiyum) متمایزند.

به اعتقاد آلوارها روح بخشی از خود برتر و نمونه‌ای از وجود متعال است که حقیقی، یگانه، ابدی، آگاه، لایتغیر، مشهود و ذره‌ای محسوب می‌شود و از بدن، حواس و نفس حیاتی متمایز است. روح به وجود انسان متصل می‌شود و با وجود ذره‌ای بودن با صفت آگاهی، لذت و درد را در تمام بدن تجربه می‌کند (Radhakrishnan, vol.2, pp.690-691). روح تا زمان رسیدن به نجات به ماده (پرکرتی) (prakṛti) متصل است و پرکرتی سبب محدودیت آن می‌شود. پرکرتی برای جیوه به مثابه اسب برای سوارکار است که می‌تواند به واسطه آن عمل کند.

روح ذاتاً از تغییرات ناشی از تولدها و مرگ‌های پیاپی مصون است. چندین بار در جهان متولد می‌شود و می‌میرد، اما ماهیت خود را حفظ می‌کند. آنها در نابودی جهان دور از نام و صورت هستند، اما نمی‌توانند گذشته خویش را به یاد آورند و تنها به وضعیت کنونی خود آگاهی دارند.

جیوه با خداوند یکی نیست و در خصوصیات ذاتی خود با او فرق دارد. روح، جزیی (امشه) (amśa) از برهمن است، اما ویژگی‌های روح مانند رنج کشیدن، قبض و بسط آگاهی و خصوصیات دیگر تنها به خودش تعلق دارد و برهمن از این خصوصیات منزّه است. نمالوار جیوه را به عنوان بخشی از عظمت وجود متعال توصیف می‌کند که در همه موجودات مدرک و غیرمدرک حضور دارد و آنها را از درون کنترل می‌کند

(Tiruvāymoḷi, 2.7). او در یکی از سروده‌هایش می‌گوید: "روح، دارایی خداوند است."

(Ibid, I.2.1.) و در جای دیگر بیان می‌کند: "روح من، از آن توست." (Ibid, II.3.4).

آوارها جیوه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱. نیتیه موکته (nitya mukta): ارواحی که از ازل تا ابد آزاد هستند. آنها در ویکونته

(Vaikuṅṭha) اقامت دارند، از کرمه و تناسخ دورند و پیوسته با ناراینه در ارتباطند.

۲. موکته (mukta): آن دسته از ارواح که در محدودیت بوده‌اند، اما با عمل نیک،

معرفت درست و اخلاص نجات یافته‌اند. این ارواح با یکدیگر تفاوت‌های کیفی ندارند، اما

همه از آرامش، معرفت و سعادت نزد برهمن برخوردارند.

۳. بدهه (baddha): آنها ارواحی هستند که به دلیل نادانی و اعمال نادرست در چرخه

سمساره قرار گرفته‌اند (Chari, pp.109–110).

آوارها درباره روح از اصطلاح ویشنوی ادین (adiyen) نیز به معنای تبعیت روح از

خدا استفاده می‌کنند. آنها در سروده‌های خود بر این باورند که یک پیوند عاطفی و عمیق

بین خدا و روح وجود دارد. همان‌طور که جیوه دوست دارد تا به دیدار خداوند نائل شود،

پروردگار نیز به بندگانش بسیار علاقه دارد و دوست دارد تا با او یکی شوند.

جنبه مهم دیگر، رابطه جیوه با بندگان خداوند است و این جنبه با عنوان بهاگوته -

ششتوه (Bhāgavata - śeṣatva) شناخته می‌شود. این مفهوم که به عنوان نظریه مهمی در

آیین ویشنوی مطرح می‌شود، جایگاه مهمی در سروده‌های آوارها دارد. اگرچه اشارات

زیادی به این آموزه در مهابهارته، راماینه و پورانه‌های ویشنوی شده است، به نظر می‌رسد

آوارها پیشروان این نظریه باشند. نمالوار دو فصل از تیرووایملی (VIII.10 ; III.7) را به

بهاگوته - ششتوه اختصاص می‌دهد. او بر این باور است که وابستگی به بنده خدا مفهومی

است که به یک ویشنوی الهام می‌شود. وی می‌گوید: "هر کسی پروردگار متعال را

خالصانه عبادت کند، من در برابر او بدون توجه به کاست و موقعیت اجتماعی زانو

می‌زنم" (Ibid, III.7.1). به اعتقاد او چنین فردی مرشد و راهنمای انسان است. به اعتقاد آلوارها نه تنها باید یک بهاگوته مورد احترام قرار گیرد، بلکه باید به پیروان او نیز احترام گذاشته شود. نمالوار می‌گوید: "ما تابع پیروان پیروان پیروان هستیم" (Ibid, III.7.10).

آلوارها عبادت بهاگوته‌ها را برتر از عبادت خود خداوند می‌دانند. به باور آنها لذت عبادت پیروان راستین ویشنو با حلاوت ناشی از تجربه رهبیت جهان قیاس‌شدنی نیست (Ibid, VIII.10.1-5).

عبادت بهاگوته‌ها دارای چنان مقام والایی است که همان‌طور که گفته شد، یکی از آلوارها خود را تندردیپدی (فردی که از آلوده کردن دست‌هایش با خاک پای بندگان لذت می‌برد) نامید. کولشکهرالوار نیز گرد و غبار قدوم بندگان را می‌ستاید و آن را به اندازه آب رود گنگ مقدس می‌داند (Perumal Tirumoli, II.2). او آرزو دارد جاده تپه‌های تیروملایی (Tirumalai) باشد تا بندگان بر روی او قدم بزنند (Ibid, IV, 8 & 9). تیرومنگایی آلوار دو فصل از اثر خود را به ستایش بهاگوته‌ها اختصاص داده است. او آنها را بسیار بزرگ می‌داند و همیشه دوست دارد آنها را ببیند، به آنها فکر کند و با آنها قدم بزند (Periya Tirumoli, VIII,4,1-9). وی آنها را مرشد و شایسته عبادت می‌داند (Ibid, II, 6.2-9). پریالوار نیز از مقام بالای بندگان سخن می‌گوید. او در یکی از فصل‌های اثر خود با سرزنش کردن افرادی که به بندگان خداوند احترام نمی‌گذارند، ادامه می‌دهد که بندگان پروردگار حق دارند او را بفروشند (Ibid, IV.4.10).

دیدگاه آلوارها در مورد بهاگوته - شش‌توه رامانوجه و آچاریه‌های ویشنویی دوره‌های بعد را تحت تأثیر قرار داده است (Chari, pp. 118-119).

۵. ارتباط برهمن با ماده

پرکرتیتی (prakṛti) یا ماده، کاله (kāla) یا زمان و شودهتتوه (śuddhatattva) یا ماده خالص سه جوهر ناآگاه هستند که تحت تأثیر تغییرات قرار می‌گیرند (Radhakrishnan, vol.2. p.696).

سه کیفیت (گونه) پرکرتیتی - ستوه (sattva)، رجس (rajas) و تمس (tamas) در زمان خلقت جهان به تدریج در آن شکل می‌گیرند. ماده در دوران نابودی در حالت به‌شدت نامحسوسی و دور از نام و شکل وجود دارد که تمس نامیده می‌شود. همه این جوهرهای ناآگاه بر طبق اراده خداوند عمل می‌کنند. آنها به‌طور ذاتی خوب یا بد نیستند، بلکه کرمه افراد آنها را خوب یا بد جلوه می‌دهد.

خداوند به‌طور مستقیم با اواح و به‌صورت غیرمستقیم با ماده در ارتباط است. ماده توسط ارواح کنترل می‌شود و بیشتر از ارواح به برهمن وابسته است، زیرا ماده هیچ اختیاری ندارد. روح می‌تواند در حیات الهی سهیم و از تغیر و مرگ خلاص شود (Ibid, pp.696-697).

د) نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که حقیقت غایی (برهمن) یکی از موضوعات مهم مکتب ودانته و آوارها به‌عنوان سردمداران جنبش بهکتی در هند بوده است. آنها همواره در آثار خود کوشیده‌اند تا توضیح مبسوطی درباره برهمن ارائه دهند.

آوارها برهمن را با نام ناراینه می‌خوانند که دارای صفات بی‌پایان است و منشأ این جهان به‌شمار می‌رود. آنها صفات را به سه دسته تقسیم می‌کنند و بین صفات تنزیهی و تشبیهی تمایز قائل هستند.

ناراینه دارای سه همسر با نام‌های شری یا لکشمی، نیلا و بهودوی است که این سه با برهمن رابطه تنگاتنگی دارند.

آنها علاوه بر برهمن، روح و ماده را (که پیکر برهمن را تشکیل می‌دهند) در آثار خود بررسی کرده‌اند.

آلوارها برای روح و ماده خصوصیتی برمی‌شمارند و ارواح را به چند دسته تقسیم می‌کنند.

دیدگاه آلوارها در این زمینه آنقدر تأثیرگذار بوده که افرادی مانند رامانوجه و پیروان او را تحت تأثیر خود قرار داده است.

منابع

1. Aiyangar, Krishnaswami (1920). *Early History of Vaishnavism in South India*, Madras, Madras University.
2. Bartely, C.J. (2002). *The Theology of Rāmānuja*, London, Routledge Curzon, Taylor and Francis Group.
3. Bhandarkar, R.G. (1983). *Vaiṣṇavism, Śaivism, and Minor Religious Systems*, New Delhi, Asian Educational.
4. Carmen, John (1987). *Bhakti*, the Encyclopedia of Religion, Edited by: Mircea Eliade, New York, Macmillan.
5. Chari, S.M.S (1997). *Philosophy & Theistic Mysticism of the Āṅṅārs*, Delhi, Motilal Banarsidas.
6. Colas, Gerard (2005). *History of Vaiṣṇava Traditions*, the Blackwell Companion to Hinduism, London, Blackwell.
7. Dandekar, R.N. (1987). *Vaiṣṇavism: An Overview*, the Encyclopedia of Religion, Edited by: Mircea Eliade, New York, Macmillan.
8. Dehejia, Vidya (2002). *Slaves of the Lord*, New Delhi, Munshiram Manoharlal.
9. Devasenapathi, V.A (1997). *Exemplars in the Life of Grace: Māṅṅikkavācakar & Nammāṅṅvār*, Hindu Spirituality PostClassical and Modern, K.R.Sundararajan & Bithika Mukerji (ed), vol.2, London, SCM Press LTD.
10. Eliot, Charels (1954). *Hinduism & Buddhism an Historical Sketch*, London, Routledge & K. Paul.
11. Friedhelm, E.Hardy (1987). *Āṅṅārs*, the Encyclopedia of Religion, Edited by: Mircea Eliade, New York, Macmillan.
12. Gopinath Rao, T.A. (1923). *History of Śrī Vaiṣṇavas*, Madras, Madras University.
13. Govindacharya (1982). *The Holy Lives of the Āṅṅārs*, Bombay, Ananthacharya Indological Research Institute.
14. Hooper, J.S.M. (1929). *Hymns of the Āṅṅārs*, Calcutta, Association Press.
15. Hudson, D (1981). *Āṅṅār*, Dictionary of Living Religions, London, Nashville.

- 16.Kinsely, David (1987). *Devotion*, the Encyclopedia of Religion, Edited by: Mircea Eliade, New York, Macmillan.
- 17.Pathak, Suniti Kumar (1999). *The Dāsa-bhakti of the Āṣṣvārs*, Medieval Bhakti Movements in India, New Delhi, Munshiram Manohalal.
- 18.Radhakrishnan, S (1969). *Indian Philosophy*, New York, Humanities Press.
- 19.Subrahmaniam, N. (1999). *Bhaktism in Medieval Tamiland*, Medieval Bhakti Movements in India, New Delhi, Munshiram Manohalal.
- 20.Veliath, S.J. (1986). *The Mysticism of Rāmānuja*, New Delhi, Munshiram Manohalal.
- 21.Walker, Benjamin (1995). *Hindu World an Encyclopedic Survey of Hinduism*, New Delhi Hoper Collin.